



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: ارث غرقى و مهدوم عليهم.

صاحب وسائل رحمة الله عليه چند باب در مورد میراث غرقى و مهدوم عليهم منعقد کرده، باب اول این بود که: «باب ۱: أنه يرث كل واحد منهم من الآخر مع الاشتباه والقراءة ونحوها وعدم وارث أقرب ثم ينتقل ميراث كل منهم إلى وارثه»، و اما باب دوم این بود که: «باب ۲: أنه إذا كان لأحد الغريقين أو المهدوم عليهما مال دون الآخر فالمال للآخر ثم لو ارثه دون وارث صاحب المال»، اینجا سوال پیش می آید که حکمت این موضوع چیست؟ خبر دوم باب را می خوانیم تا مطلب روشن شود، خبر این است: «وعن علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن عبد الرحمن بن الحجاج، وعن حميد بن زياد، عن ابن سماعه، عن محمد بن أبي حمزة، عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: رجل وامرأة سقط عليهما البيت فماتا قال: يورث الرجل من المرأة والمرأة من الرجل قلت: فان أبا حنيفة قد أدخل عليهم في هذا شيئاً قال: وأي شيء أدخل عليهم؟»

قلت: رجلين أخوين أعجميين ليس لهما وارث إلا مولييهما أحدهما له مائة ألف درهم معروفة والآخر ليس له شيء ركباً سفينة فغرقا فأخرجت المائة ألف كيف يصنع بها؟ قال: تدفع إلى مولى الذي ليس له شيء، قال: فقال: ما أنكر ما أدخل فيها صدق وهو هكذا، ثم قال: يدفع المال إلى مولى الذي ليس له شيء ولم يكن للآخر مال يرثه موالى الآخر فلا شيء لورثته. ورواه الشيخ باسناده عن علي بن إبراهيم. أقول: وتقدم ما يدل على ذلك، ويأتي ما يدل عليه.^۱

صاحب جواهر فرموده بعضی از احکام پروردگار هستند که ما نمی توانیم حکمت و علت آن را بفهمیم و در واقع فلسفه و علت و حکمت آنها بر ما پوشیده است و اینطور نیست که ما تمام آنها را بفهمیم و بدانیم بلکه ما همینقدر می دانیم که قطعاً پروردگار متعال بر اساس مصالح و مفاسدی احکام را جعل کرده.

خب واما در باب پنجم از ابواب میراث غرقى و مهدوم عليهم در خبری جریان ازدواج عمر با ام کلثوم ذکر شده، این یک مسئله بسیار مهمی می باشد، اهل تسنن در این مورد یک جنگ نرمی را در برابر ما آغاز کرده اند و با این کار می خواهند دو قضیه را از بین ببرند؛ اول جریان شهادت فاطمه زهراء سلام الله عليها که یکی از تکیه گاه های مهم ما در مسئله خلافت است و در نوح البلاغه نیز ذکر شده که یکی از حرفهای حضرت امیر علیه السلام بعد از دفن فاطمه زهراء سلام الله عليها این بود که پیغمبر صلوات الله عليه و آله از فاطمه زهراء سلام الله عليها پرسد که بعد از او امت با دخترش چه کردند؟ و دوم مسئله خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام است که آنها قصد داشتند آن را کم رنگ کنند و بگویند از اول علی بن ابی طالب علیه السلام خلافت آنها را پذیرفت و حتی دخترش را به آنها داد، علی آئی حال ما می خواهیم بگوئیم که این قضیه ازدواج عمر با ام کلثوم درست نیست و اشکال دارد منتهی آنها روی این مسئله خیلی کار کرده اند.

در کتب متعدد عامه این مسئله ازدواج ذکر شده و بعد اینطور نتیجه گرفته شده که با توجه به این ازدواج معلوم می شود که علی بن ابی طالب از اول با خلافت خلفاء مشکلی نداشته و در صلح و آرامش خلافتشان را پذیرفته و حتی دخترش را به خلیفه دوم داده و این جریانات و اختلافات و کینه و کدورت ها را شیعیان از خودشان درست کرده اند!

خب واما بحث را آغاز می کنیم، مرحوم کلینی در جلد ۵ فروع کافی در باب ۲۳ از کتاب نکاح بابی را در این رابطه منعقد کرده و اخبار را نقل کرده:

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۹۱، ابواب ارث غرقى و مهدوم عليهم، باب ۲، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

خبر دوم: ﴿قال: وتزوج الحسن عليه السلام امرأة فأصدقها مائة جارية مع كل جارية ألف درهم﴾^۱، خب ابن خلی عجب است!

خبر سوم: ﴿محمد بن إدريس في (آخر السرائر) نقلا من رواية أبي القاسم بن قولويه، عن عيسى بن عبد الله الهاشمي قال: خطب عمر بن الخطاب وذلك قبل أن يتزوج أم كلثوم بيومين، فقال: أيها الناس لا تغالوا بصدقات النساء، فإنه لو كان الفضل فيها لكان رسول الله صلى الله عليه وآله يفعلها، كان بينكم صلى الله عليه وآله يصدق المرأة من نسائه المحشوة وفراش الليف والخاتم والقدر الكثيف وما أشبهه، ثم نزل عن المنبر فما أقام إلا يومين أو ثلاثة حتى أرسل في صداق بنت علي بأربعين ألفاً﴾^۲.

ابن ابی الحدید در شرح نہج البلاغہ جلد ۱۹ صفحہ ۳۵۱ و علامہ مجلسی در جلد ۴۲ بحار الانوار طبع جدید و شیخ مفید نیز در این رابطہ مطالبی دارند، مثلا ابن ابی الحدید در مطلبی کہ خلی عجب است اینطور می گوید کہ امیرالمؤمنین علیہ السلام از عطر تعریف کرد و عمر بہ پادشاہ روم نامہ نوشت و قاصدی فرستاد و برای ام کلثوم عطری خریداری کرد و بہ عنوان ہدیہ بہ ام کلثوم داد و بعد با او ازدواج کرد!

قاضی نورالله تستری می گوید من بہ خداوند قسم می خورم کہ اگر ہزار ضریہ با شمشیر بہ جسد علی علیہ السلام و شیعاناش بزند این آسان تر از آن است کہ بشنوم امیرالمؤمنین علیہ السلام دخترش را بہ عمر دادہ باشد عمری کہ با فاطمہ زہراء سلام اللہ علیہا آن طور کرد و در صوائق محرقہ کہ از کتب سنی ہا می باشد علاوہ بر مطالب مذکور گفتہ شدہ کہ عمر قبل از اینکہ با ام کلثوم ازدواج کند معاذ اللہ گفتہ کہ من باید بینم و بپسندم! و بعد گفتہ "ہذا کذب عظیم" و ہر شیعہ ای کہ این را بشنود ناراحت می شود.

بقیہ بحث بماند برای فردا إن شاء اللہ تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

خبر اول: ﴿علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم، وحماد، عن زرارة، عن أبي عبد الله عليه السلام في تزويج أم كلثوم فقال: إن ذلك فرج غضبناه﴾^۲.

ما در مورد متن خبر حرف داریم ولی از نظر سند در اعلى درجه صحت قرار دارد.

خبر دوم: ﴿محمد بن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لما خطب إليه، قال له أمير المؤمنين: إنها صبية قال: فلقى العباس فقال له: مالي أبي بأس؟ قال: وما ذاك؟ قال: خطبت إلى ابن أخيك فردني أما والله لأغورن زمزم ولا أذع لكم مكرمة إلا هدمتها و لأقيم عليه (على عليه السلام) شاهدين بأنه سرق ولأقطعن يمينه فأتاه العباس فأخبره وسأله أن يجعل الامر إليه ففعله إليه﴾^۳.

این خبر نیز صحیح است.

خب و اما بنده نوشته ام این بحث چون مربوط بہ عقیدہ و ایمان ماست یک بحث کلامی و تاریخی و روایی و فقہی و حدیثی می باشد.

فهرست مدارک:

در کامل ابن اثیر جلد ۲ صفحہ ۵۲۶ و در تاریخ یعقوبی جلد ۲ صفحہ ۱۴۹ و اعیان الشیعة سید محسن امین جلد ۱ صفحہ ۳۲۷ و تلخیص الشافی جلد ۲ صفحہ ۱۰۸ این جریان ازدواج ام کلثوم با عمر ذکر شدہ.

بنی العباس خلی بر علیہ ائمہ علیہم السلام تبلیغات می کردند و آنها را مانع قدرت و حکومت خود می دانستند و یکی از تبلیغات سوء آنها در مورد امام حسن مجتبی علیہ السلام بود کہ می گفتند حضرت ۱۰۰ زن دارد!، صاحب وسائل در باب ۹ از ابواب مہور اخباری را در این رابطہ و همچنین دربارہ ازدواج عمر با ام کلثوم نقل کردہ:

خبر اول: ﴿محمد بن الحسن في (المبسوط) على ما نقل عنه أنه روي أن عمر تزوج أم كلثوم بنت علي عليه السلام فأصدقها أربعين ألف درهم﴾^۴.

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۵، ص ۱۹، ابواب مہور، باب ۹، حدیث ۳، ط اسلامیة.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۵، ص ۲۰، ابواب مہور، باب ۹، حدیث ۵، ط اسلامیة.

^۳ فروع کافی، مرحوم کلینی، ج ۵، ص ۳۴۶، باب تزویج ام کلثوم، حدیث ۱.

^۴ فروع کافی، مرحوم کلینی، ج ۵، ص ۳۴۶، باب تزویج ام کلثوم، حدیث ۲.

^۵ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۵، ص ۱۹، ابواب مہور، باب ۹، حدیث ۲، ط اسلامیة.